



سراسر کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

نظارت و راهنمایی

مجموعه علوم تربیتی ۱

مؤلفان: اسماعیل اله دادی

سمانه باقری

ویراستار علمی: سید جمال بارفدا - عبدالله رمیمی



به روز رسانی شده (همراه با معلم اینترنتی)

www.Mahanportal.ir

الهدادی، اسماعیل
نظارت و راهنمایی رشته علوم تربیتی ۱/اسماعیل الهدادی - سمانه باقری / ویراستار علمی: سیدجمال
بارخدا - عبدالله رحیمی
مهر سبحان، ۱۳۹۲
۲۸۷ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد علوم تربیتی ۱)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۴-۹۳۸-۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - چاپ دوم

۱- نظارت و راهنمایی

۲- آزمونها و تمرینها (عالی)

۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی

۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

الف) اسماعیل الهدادی

ب) سمانه باقری

ج - عنوان

۶ن ۶۸۸۷ الف / LB۲۳۵۳

رده بندی دیویی:

۳۷۸/۱۶۶۴

۸۵ / ۳۹۴۹۰ م

شماره کتابشناسی ملی:

نام کتاب: نظارت و راهنمایی

مولفان: اسماعیل الهدادی - سمانه باقری

ناشر: مهر سبحان

نوبت و تاریخ چاپ: دوم / ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰ / ۰۰۰ ریال

شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۴-۹۳۸-۰

انتشارات مهر سبحان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری، روبروی قنادی هتل بزرگ تهران،

جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد
ماهان می باشد و هرگونه اقتباس کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز
پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی‌نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که بر مبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد بصورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید.

و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پر بارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

مقدمه مولف

نیاز به نظارت و راهنمایی آموزشی در همه زمینه‌های مربوط به فعالیت‌های تدریس و یادگیری اجتناب‌ناپذیر است. این نیاز، بویژه زمانی که آموزش و پرورش دستخوش تغییرات و تحولات بنیادی می‌گردد بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. زیرا نظارت، راهنمایی و ارزشیابی همواره در اجرای مؤثر و موفق برنامه‌های آموزشی نقش اساسی داشته و دارد. نظارت و راهنمایی آموزشی از زمان پیدایی نظام‌های آموزشی به سبک جدید، جزء وظایف مهم مدیران مدارس بوده است. تقریباً در همه نظام‌های آموزشی به دلیل اهمیت مسأله آموزش و یادگیری و تاثیر مطلوب آن در آموزش و پرورش جوانان، نظارت و راهنمایی آموزشی جزء لاینفک نقش‌های سازمانی محسوب می‌شود. در فصول این کتاب سعی شده است به نکات برجسته نظارت و راهنمایی آموزشی اشاره شود.

عنوان	صفحه
فصل اول - مقدمه.....	۹
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل اول.....	۲۶
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل اول.....	۳۲
فصل دوم - حیطه و نوع عملکرد نظارت و راهنمایی آموزشی و نظارت و راهنمایی آموزشی در مدرسه.....	۳۷
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوم.....	۴۷
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوم.....	۵۱
فصل سوم - اصول و روش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی.....	۵۵
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم.....	۷۰
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم.....	۷۴
فصل چهارم - نظارت و راهنمایی همکار (مربیگری یا هدایت همکاری).....	۷۷
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....	۹۹
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....	۱۰۴
فصل پنجم - ضرورت نظارت و راهنمایی تعلیماتی.....	۱۰۹
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....	۱۲۳
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....	۱۲۶
فصل ششم - رشد کارکنان و ناظران تعلیماتی امروز.....	۱۲۷
سؤالات چهارگزینه‌ای فصل ششم.....	۱۳۵
پاسخ‌نامه سؤالات چهارگزینه‌ای فصل ششم.....	۱۳۷
فصل هفتم - نظارت کلاس درس محور و راهبردهای مربیگری.....	۱۳۹
فصل هشتم - ارزشیابی معلم.....	۱۴۷
تست‌های تالیفی.....	۱۵۲
پاسخ‌نامه تست‌های تالیفی.....	۱۵۴
خودآزمایی ۱.....	۱۵۶
پاسخ‌نامه تشریحی خودآزمایی ۱.....	۱۵۹
خودآزمایی ۲.....	۱۶۱
پاسخ‌نامه تشریحی خودآزمایی ۲.....	۱۶۴

۱۶۶.....	خودآزمایی ۳.....
۱۶۹.....	پاسخنامه تشریحی خودآزمایی ۳.....
۱۷۰.....	خودآزمایی ۴.....
۱۷۳.....	پاسخنامه تشریحی خودآزمایی ۴.....
۱۷۵.....	خودآزمایی ۵.....
۱۷۷.....	پاسخنامه تشریحی خودآزمایی ۵.....
۱۷۸.....	خودآزمایی ۶.....
۱۸۲.....	پاسخنامه تشریحی خودآزمایی ۶.....
۱۸۵.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۹.....
۱۸۸.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۹.....
۱۹۰.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۰.....
۱۹۳.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۰.....
۱۹۵.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۰.....
۱۹۷.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۰.....
۱۹۹.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۱.....
۲۰۲.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۱.....
۲۰۴.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۱.....
۲۰۸.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۱.....
۲۱۰.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۲.....
۲۱۳.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۲.....
۲۱۵.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۲.....
۲۱۷.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۲.....
۲۱۹.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۳.....
۲۲۲.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۳.....
۲۲۳.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۳.....
۲۲۵.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۳.....
۲۲۷.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۴.....
۲۳۰.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۴.....
۲۳۲.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۴.....
۲۳۵.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۴.....
۲۳۷.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۵.....
۲۴۰.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۵.....
۲۴۲.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۵.....
۲۴۵.....	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۵.....
۲۴۶.....	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۶.....

۲۴۹	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۶
۲۵۰	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۶
۲۵۳	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۶
۲۵۵	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۷
۲۵۸	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۷
۲۵۹	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۷
۲۶۲	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۷
۲۶۴	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۸
۲۶۷	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۸
۲۶۹	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۹
۲۷۲	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۹
۲۷۴	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۰
۲۷۷	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۰
۲۷۹	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۱
۲۸۱	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۱
۲۸۳	سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۲
۲۸۵	پاسخنامه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۲
۲۸۷	منابع

مقدمه

عناوین اصلی

❖ مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی

❖ ماهیت نظارت کلینیکی

❖ انواع راهنمایی

فصل اول

مقدمه

نظارت و راهنمایی آموزشی از زمان پیدایی نظام‌های آموزشی به سبک جدید، جزء وظایف مهم مدیران مدارس بوده است. تقریباً در همه نظام‌های آموزشی به دلیل اهمیت مساله آموزش و یادگیری و تاثیر مطلوب آن در آموزش و پرورش جوانان، نظارت و راهنمایی آموزشی جزء لاینفک نقش‌های سازمانی محسوب می‌شود. در نظام‌های آموزشی اغلب کشورها هدف از قرار دادن نقش نظارت و راهنمایی آموزشی به طور رسمی، حل و فصل مسائل و مشکلات آموزشی معلمان، اصلاح فرایند تدریس و یادگیری و ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و در نتیجه دانش آموزان است.

طرح اندیشه‌ها، نظریه‌ها و روش‌های جدید از طرف صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت با هدف ارتقای کیفیت عملکرد معلمان، کاهش افت آموزشی، جلوگیری از اتلاف وقت و از دست دادن فرصت‌ها و ارتقا و حفظ نتایج مطلوب آموزشی، ضرورت نظارت و راهنمایی آموزشی را بر مسئولان و مدیران آموزش و پرورش بیش از پیش آشکار ساخته است. اگر چه امروزه مسئولان و کارشناسان آموزش و پرورش نسبت به بکارگیری نظارت و راهنمایی آموزشی نگرش مثبتی دارند، به علت محدودیت‌های فراوان در ابعاد اقتصادی، ساختاری و نیروی انسانی متخصص، تاکنون، برنامه‌ریزی مشخص یا اقدام عملی موثری در این مورد صورت نگرفته است. در مدارس ما، متأسفانه، با اینکه نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف کلاسیک مدیران آموزشی تلقی می‌شود، آنان به علل گوناگون برای اجرای این وظیفه تلاشی نکرده و نمی‌کنند.

از یک طرف، مدیران مدارس به ایفای نقش نظارت و راهنمایی آموزشی علاقه‌ای ندارند و از طرف دیگر، اکثر معلمان، نظارت و راهنمایی به وسیله مدیرانشان را نوعی مداخله یا ایجاد مزاحمت در کار خود تلقی می‌کنند و اصولاً از این کار بیمناک‌اند، یا تصور می‌کنند که نیازی به اصلاح کار خود ندارند. در نتیجه هیچ‌گاه مدیران و معلمان تصور مثبتی از نقش یکدیگر در ذهن نداشته‌اند تا بتوانند با هدف رفع مسائل و مشکلات آموزشی معلمان ارتباط و همکاری نزدیکی با هم داشته باشند.

از آغاز پیدایش آموزش و پرورش رسمی در جوامع تا به امروز تغییرات و تحولات بسیاری در نظام‌های آموزشی روی داده است. برای مثال، چنانچه جامعه‌ای قادر نباشد از عوامل مهم اقتصادی زمان، سرمایه و کار و تلاش نیروی انسانی به طور اثر بخشی در آموزش و پرورش استفاده کند، مدیریت آموزش و پرورش باید در مورد هدر رفتن یا عدم استفاده صحیح از آن عوامل در قبال جامعه پاسخگو باشد. زیرا جبران این سه عامل در زمان‌های بعدی اگر کار غیر ممکن نباشد، امری بسیار دشوار است.

صاحب‌نظران آموزش و پرورش عموماً بر این عقیده هستند که کیفیت مدیریت فعالیت‌های آموزشی، مهمترین شاخص سطح کفایت و اثر بخشی کل برنامه‌های آموزشی است. زیرا مدیریت با نقش تعیین کننده و موثری که در امر هدایت و رهبری فرایندهای آموزش و پرورش در جهت هدف‌های آن دارد بالقوه هم می‌تواند موجب پیشرفت آن گردد و هم موجب از هم پاشیدگی آن (علاقه‌بند، ۱۳۶۲). بنابراین، برای استفاده عاقلانه و مقتصدانه از زمان، سرمایه و کار و تلاش نیروی انسانی به منظور نیل به هدف‌های عام آموزش و پرورش در سطح ملی و هدف‌های خاص آموزش و یادگیری در سطح آموزشگاهی باید به آموزش و تربیت تخصصی افرادی مبادرت کرد که واجد ویژگی‌های بارز و حرفه‌ای مدیریتی هستند. به عبارت دیگر، باید سرمایه‌گذاری برای آموزش و آماده سازی مدیران آموزشی در آموزش و پرورش باشد و موجب رکود یا از هم گسیختگی آن نگردد.



به اعتقاد صاحب‌نظران سازمانی یکی از بهترین روشها برای ایجاد و حفظ نظام آموزشی خوب، تربیت افراد کارآمد و متخصص به منظور مدیریت و رهبری این نظام است. مدیریت و رهبری آموزش و پرورش در بسط و توسعه هر حرکت، تصمیم یا برنامه مهمی که برای بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه طراحی می‌شود حائز اهمیت بسیاری است. با توجه به اینکه راه‌حل‌های نهایی مسائل و مشکلات آموزشی نیز در دست رهبران آموزشی است، باید قابلیت‌ها و توانائی‌های بالقوه مدیران تا حد امکان رشد و پرورش یابد. در میان گروه مدیران و رهبران آموزشی، راهنمایان آموزشی از عناصر بسیار مهم بشمار می‌روند و نقش اساسی و موثری در تحقق هدف‌های آموزشی ایفا می‌کنند.

نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف مهمی است که برای اداره نظام آموزشی خوب ضرورت دارد و هدف اصلی آن اصلاح و بهبود وضع آموزشی است. اگرچه برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و عناوین راهنمایان آموزشی در نظام‌های آموزشی مختلف متفاوت است، وظایف آنان کم و بیش مشابه است.

وظیفه اصلی آنان، با هر عنوانی که نامیده شوند و در هر پست و مقامی که خدمت کنند، برقراری ارتباط و کار و همکاری حرفه‌ای با معلمان و کمک به آنان است تا بهتر رشد و پرورش یابند و بدین وسیله فرایند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند، عملکرد موثرتری داشته باشند و در نهایت نتایج آموزشی مطلوبتری به دست آورند. رشد و پرورش بهتر معلمان به معنای رشد و پرورش بهتر دانش‌آموزان و نیز موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی است که رضایت و حمایت عمومی از مدارس را در پی دارد. هدفی که نظارت و راهنمایی آموزشی در نظام‌های آموزشی درصدد نیل به آن است.

مفاهیم نظارت و راهنمایی آموزشی

نظارت و راهنمایی از دو جزء اساسی الف- نظارت و ب- راهنمایی تشکیل شده است.

الف- نظارت: نظارت فرایندی است که راهنمای تعلیماتی از طریق آن به جمع آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و اداری مدیران و معلمان در محیط‌های آموزشی می‌پردازد.

ب- راهنمایی: شرتزر و همکارش استون راهنمایی را تلاش پویایی می‌دانند که فرد را در خودشناسی و شناخت محیط یاری می‌دهد.

تلاش صاحب‌نظران در بیست سال گذشته منجر به حداقل شش مفهوم سازی عمده برای نظارت به شرح زیر شده است:

۱. مدیریت اداری

۲. برنامه تحصیلی

۳. تدریس

۴. روابط انسانی

۵. مدیریت

۶. رهبری

آی، نترز، و کری، نظارت متمرکز در مدیریت اداری را چنین تعریف می‌کند «نظارت آن مرحله از مدیریت اداری مدرسه است که عمدتاً حصول انتظارات آموزشی متناسب با سیستم آموزش و پرورش را مورد توجه قرار دهد».

کوگان نظارت متمرکز بر برنامه تحصیلی را اینگونه تعریف می‌کند «نظارت دربردارنده فعالیت‌هایی چون برنامه نویسی، بازنگری در برنامه‌های تحصیلی، آماده سازی مطالب آموزشی و واحدها، استفاده بار آور از جریانات و ابزارها، تهیه گزارش به والدین، و توجه وسیع به ارزشیابی کلی برنامه‌ها است».

مارکز، استوپز، و کینگ استوپز تعریف زیر را از نظارت متمرکز بر تدریس بیان می‌دارند: «نظارت عملکرد و تجربه‌ای است که به قصد بهبود تدریس و برنامه آموزشی انجام می‌گیرد».

چهارمین تعریف نظارت به روابط انسانی تاکید دارد. کیمبل وایلز نظارت را به شرح زیر تعریف می‌کند:

ناظران امور را سرعت می‌بخشند. آنان به ایجاد ارتباطات کمک می‌کنند. کمک می‌کنند تا افراد حرف یکدیگر را بفهمند. شخص ثالث، برای افرادی می‌شوند که در ارتباطات خود دارای مشکل هستند. به درک افراد از حدود استفاده از منابع مشترک و عقاید و میزان تشویق کمک می‌کنند، به تسهیل اجرای موافقت‌های جلسات ارزشیابی می‌پردازند، به حرف کسانی که مسایل خود را بیان



می‌کنند گوش فرا داده و به آنان، سایر منابع موثر در حل مسائشان را معرفی می‌کنند.

پنجمین تعریف، نظارت را متمرکز بر مدیریت معرفی می‌کند، آلفونسو، فرتس، و نوب نظارت را چنین تعریف می‌کنند: «نظارت در هر سازمان پیچیده‌ای وجود دارد زیرا سازمانها می‌خواهند خود را حفظ کنند و گاهی خود را بهبود ببخشند. ارتباط نظارت و سازمان ارتباطی روشن و مستقیم است. نتایج سازمان باید در تحلیل کارایی و اثربخشی آن مورد استفاده قرار گیرد. این توصیفات از نظارت در درون سیستم‌های تولید در سازمان برای کسانی که نظارت آموزشی می‌کنند مفید است. مدرسه یک سیستم تولیدی است».

ششمین تعریف نظارت متمرکز بر مفهوم رهبری است. موشر و پرپل می‌گویند:

«ما وظیفه نظارت را یاد دهی چگونه یاد دادن به یاددهندگان و رهبری حرفه‌ای در تدوین مجدد آموزش عمومی (بخصوص برنامه تحصیلی آن، یاددهی و اشکال آن) می‌دانیم».

این تعاریف مختلف درباره نظارت نشان می‌دهد که وظایف نظارت در بافتی که انجام می‌گیرد تعیین می‌شود. به نظر مولفین نظارت، یک رهبری آموزشی است که باید بتواند امور آموزشی را در جهت یادگیری ترتیب داده و هماهنگ سازد. علاوه بر تعاریف فوق که متمرکز به شش مفهوم سازی عمده برای نظارت بود، تعاریف دیگر در مورد نظارت عبارتند از: در فرهنگ فارسی عمید نظارت به معنای زیرکی و فراست، عمل ناظر و مقام او و مراقبت در اجرای امری و راهنمایی به معنای عمل راهنما و راه نشان دادن به کسی و هدایت، آمده است.

در فرهنگ تعلیم و تربیت نظارت و راهنمایی چنین تعریف شده است:

«کوشش‌های مسئولان منتخب مدرسه برای راهنمایی و هدایت معلمان و دیگر کارکنان آموزشی در اصطلاح وضع آموزش و روش‌های تدریس که مستلزم تحریک رشد و پیشرفت حرفه‌ای معلمان، انتخاب هدف‌های آموزشی و تجدید نظر در آنها، مواد آموزشی، روش‌های تدریس، و ارزشیابی آنهاست». مارکس و استویز (۱۹۷۱) هرگونه فعالیتی را که عمدتاً برای اصلاح آموزش در کلاس درس صورت گیرد در حوزه نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌کنند.

برتون و برواکتر (۱۹۵۵) نظارت و راهنمایی آموزشی را خدمت فنی- تخصصی می‌دانند که هدف آن مطالعه و اصلاح همه عواملی است که بر رشد و پرورش کودک اثر می‌گذارد و معتقدند این کار وقتی بطور موثر انجام می‌گیرد که مبتنی بر همکاری گروهی باشد.

نظارت و راهنمایی مفهومی عام و کلی دارد. بدین معنا که در همه سازمانها و موسسات، اعم از ساده یا پیچیده، انتفاعی یا اجتماعی، بزرگ یا کوچک، دولتی یا خصوصی، سنتی با الگوهای اداری قدیمی یا مدرن و پیشرفته و مجهز به سیستم‌های الکترونیک- کاربرد دارد. ثبات و ادامه حیات هر سازمانی به نوعی مستلزم نظارت و راهنمایی است.

نظارت و راهنمایی آموزشی یا تعلیماتی، در آموزش و پرورش یکی از برنامه‌های رسمی سازمانی است که با دیگر نظام‌های رفتاری مربوط به آن (تدریس و یادگیری، مدیریت آموزشی و مشاوره و راهنمایی) ارتباط مستقیم و متقابل دارد. به عبارت دیگر، ضمن تاثیر در دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه، تحت تاثیر آنها نیز قرار می‌گیرد.

این ارتباط و تعامل (کنش و واکنش متقابل) چنانچه منظم، هماهنگ و به طور مستمر باشد به معنای این است که هر یک از نظام‌های رفتاری آموزش و پرورش بدرستی وظایف خود را انجام می‌دهند. بنابراین این تعاملات نتایج مطلوبی خواهد داشت. در حالی که عدم ارتباط یا هماهنگی هر کدام از آنها به از هم گسیختگی برنامه‌های آموزشی منجر می‌شود و نیل به هدف‌های پیش‌بینی شده را دشوار می‌سازد.

راهنمای آموزشی، فردی است که برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی را در مدرسه طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌کند و با دیگر کارکنان مدرسه (معلم، مدیر، مشاور تحصیلی و شغلی و روانشناس مدرسه) ارتباط متقابل دارد.

موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و نیل به هدف‌های آن در گرو عملکرد موثر دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه است و بدون آگاهی از نحوه فعالیت این گونه نظام‌های رفتاری موفقیت این برنامه‌ها بعید به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، اثر بخشی برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی نه تنها به ارتباط راهنمایان آموزشی با دیگر نظام‌های رفتاری مدرسه، بلکه به آگاهی آنان از نحوه عملکرد تمام نظامهایی که به نحوی در اجرای موثر وظایفشان به آنها یاری می‌رسانند نیز بستگی دارد.



رایسنون در تحلیل مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی آن را چنین تعریف می‌کند: «نظارت و راهنمایی فرایندی آموزشی است که در آن کسی که دارای علم و مهارت بیشتری است مسئولیت آموزش فرد دیگری را که کمتر واجد این عناصر است بر عهده می‌گیرد».

بن‌هاریس - از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت - آن را بدین صورت تعریف می‌کند: «نظارت آموزشی کارکنان مدرسه بر افراد و حتی اشیاء، به منظور اداره و کنترل مدرسه یا تغییر برنامه‌های آموزشی صورت می‌گیرد و بطور مستقیم در نیل به هدف‌های اساسی آموزشی مدرسه تاثیر دارد» به عبارت دیگر، هم عوامل آموزشی مثل معلم، دانش آموز، برنامه درسی و دروس در پیشرفت آموزش دخیل هستند و هم عوامل غیر آموزشی مانند تسهیلات و تجهیزات، ساختمان، بودجه و مسائل کارکنان، و این عوامل باید در ارتباط با یکدیگر در نظر گرفته شود.

به اعتقاد آدامز و دیکی (۱۹۶۶) «فرایندی که باعث می‌شود تمام این عوامل یعنی عوامل آموزشی و عوامل غیر آموزشی آگاهانه برای پیشرفت یادگیری به طور موثر و همچنین کمک به کارآمدتر شدن معلمان به کار گرفته شود» نظارت و راهنمایی آموزشی نام دارد.

برخی از دانشمندان دهه‌های اخیر، مدیریت آموزشی و نظارت و راهنمایی آموزشی را با هم مرتبط دانسته، نظارت را آن جنبه از مدیریت مدرسه می‌دانند که اساساً به برآوردن نیازهای آموزشی سازمان آموزش و پرورش کمک می‌کند. به نظر برخی دیگر نظارت فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که هدف آن اصلاح برنامه آموزشی و تدریس است.

موشی و پریل در توضیح نقش نظارت در آموزش و پرورش، نظارت و راهنمایی را آموزش چگونگی تدریس به معلمان تعریف می‌کنند. به زعم آنان نظارت و راهنمایی آموزشی عبارت است از رهبری حرفه‌ای برای تجدید سازمان آموزش و پرورش و به بیان دقیق‌تر تجدید نظر در برنامه درسی، روش تدریس و شیوه‌های مختلف آموزش عمومی.

وایلز و باندی (۱۹۸۶) نظارت و راهنمایی را وظیفه کلی، پیچیده و دشوار رهبری تعریف می‌کنند که فعالیت‌های مربوط به آموزش و یادگیری را به‌طور هماهنگ اداره می‌کند.

کیمبل وایلز (۱۹۶۷) در تفسیر جامع مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی، هدف اصلی از نظارت را اصلاح برنامه درسی، اصلاح روش تدریس، آموزش ضمن خدمت، تشویق به استفاده از مواد و ابزار کمک آموزشی هنگام تدریس، انجام ارزشیابی موثرتر و افزایش مشارکت جامعه در رشد و توسعه برنامه‌های مدرسه، همچنین اصلاح شرایط یادگیری برای دانش آموزان ردیابی می‌کند. در حقیقت به زعم وی نظارت فعالیت‌های خدماتی است که برای کمک به بهبود روش تدریس معلمان طراحی شده است.

سر جیووانی و استارات (۱۹۹۳) در توضیح مفهوم نظارت و راهنمایی بیان می‌کنند که با توجه به تغییرات فراوان در زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش، نظارت به عنوان وظیفه‌ای اصلی در اداره مدارس در حال ظهور است و اگر قرار باشد راهنمایان آموزشی در تغییر، تجدید سازمان و احیای مدارس و اثر بخشی آنها نقش مهمی ایفا کنند باید از نقش‌های سنتی خود فراتر روند و نباید هدف آنان صرفاً انجام دادن کار در مدرسه مطابق با موازین و معیارهای مشخص باشد. آنان معتقدند فرایند نظارت و راهنمایی آموزشی باید فرایندی پویا تلقی شود که مستلزم تفکر مجدد در مورد شرایط تدریس و یادگیری و همچنین مدرسه است.

گلیگمان، گوردن و ریس گوردن (۱۹۹۵) نظارت و راهنمایی آموزشی را از وظایف مدارس می‌دانند که از طریق کمک مستقیم به معلمان، توسعه برنامه درسی، رشد کارکنان، بالندگی گروهی و تحقیقات عملیاتی، فرایند آموزش را اصلاح می‌کند.

علی رغم تغییرات و تحولات فراوانی که تاکنون در زمینه مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی روی داده است هنوز هم محور اصلی تعاریف بر اصلاح فرایند آموزش و یادگیری استوار است. به عبارت ساده تر، امروزه مسئولان مدارس با توجه به تغییرات سریع در نظام‌های آموزشی باز هم درصدد اصلاح فرایند آموزش و یادگیری و اثربخشی آن هستند ولی نه با ارزش‌های گذشته، بلکه با روش‌های نو به طوری که پاسخگوی نیازهای جامعه آموزش و پرورش باشد.

نقش ناظران در یک محیط کاری و واقعی، اغلب توسط خود آنان تعیین می‌شود. شغل ناظران بیش از مسئولیت بهبود درس و هر وظیفه دیگری که به طور مستقیم به آنان محول می‌شود، مرکب از طرح‌های فعالیتی است که به نقش نظارت هدف و منظور می‌بخشد.



ماهیت نظارت کلینیکی (معلم - محور)

هدف از نظارت معلم محور، رشد معلمان به لحاظ حرفه‌ای با تأکید بر بهبود کار آنان در کلاس درس است و تدریس اثر بخش هدف نظارت معلم محور است. نظارت معلم محور یک فرایند، یک شیوه و یک سبک مشخص برای نزدیک شدن به معلمان است. برای اینکه ناظر بتواند این جریان عملی را مؤثر سازد و هدف اصلی نظارت معلم محور را تأمین کند باید فکر، احساس و عمل او با یکدیگر هماهنگ باشد. نظارت معلم محور بر عملکرد واقعی معلم در کلاس متمرکز است.

بیشتر معلمان از اینکه بر آنان نظارت کنند چندان دل خوشی ندارند و این در حالی است که نظارت بر آنان بخشی از آموزش و کار حرفه‌ای آنان محسوب می‌شود. معلمان همواره به صورت تدافعی به نظارت عکس العمل نشان می‌دهند و آن را مفید تلقی نمی‌کنند. این تعمیم فاقد استثناء نیست. بعضی از معلمان از نظارت بهره‌های فراوانی می‌گیرند و بعضی از ناظران مستعد و شایسته در کار با معلمان از مقبولیت و اثر بخشی خاصی برخوردارند با این وجود اکثر شواهد دلالت دارد که اکثر معلمان مشمول تعمیم مذکور می‌شوند.

آرتور بلامبرگ بررسی‌هایی که خود یا دیگران در رابطه با نظارت بر معلم انجام داده‌اند را مورد بازنگری قرار داده و چنان نتیجه‌گیری می‌کند که معلمان به نظارت به عنوان «بخشی از سیستم موجود می‌نگرند لیکن بخشی که هیچ نقش مهمی در زندگی حرفه‌ای آنان ندارد. نظارت در واقع تقریباً به شیوه و رسم متداول سازمانی می‌ماند که مناسبت خود را از دست داده باشد» در نظارت متداول ضمن خدمت ناظر که معمولاً مدیر مدرسه است فرآیند نظارتی به منظور ارزشیابی عملکرد معلم انجام می‌دهد. دستور ارزشیابی ممکن است توسط قانون، هیات آموزشی در محل و یا وزارت آموزش و پرورش صادر شود. این حالت در آغاز دو مسئله به وجود می‌آورد که معلمان به آنها واکنش منفی نشان می‌دهند. مسئله اول هنگامی به وجود می‌آید که نظارت با ارزشیابی همسان تصور شود. مردم معمولاً وقتی احساس کنند که مورد ارزشیابی واقع می‌شوند و به خصوص در هنگامی که ارزشیابی‌های منفی امنیت شغلی آنان را به مخاطره می‌اندازد مضطرب می‌شوند.

مسئله دوم این است که نظارت به لحاظ نیاز ناظر به وجود می‌آید نه نیازی که توسط معلم احساس شود.

شکل بسیار دستوری نظارت بازتابی از نقش تاریخی ناظران به عنوان «بازرسان» مدرسه است. تا قرن هجدهم کمیسیون‌های غیر تخصصی منطقه‌ای عهده دار بازرسی مدارس به طور دوره‌ای بوده‌اند هدف از این بازرسی مشخص کردن موضوع اعمال مقررات آموزشی بود. بازرسی مدارس توسط این گروه‌های غیر متخصص تا زمانی ادامه می‌یابد که مدارس آنقدر بزرگ می‌شوند که هر مدرسه به بیش از یک معلم نیاز پیدا می‌کند. آنگاه عمل بازرسی بر عهده یک نفر از معلمان که از بین آنان با عنوان «معلم مدیر» تعیین می‌شود قرار می‌گیرد بالاخره این عنوان در واژه مدیر خلاصه می‌شود. سوء تفاهم دیگر هنگامی است که ناظر به عنوان مسئولی «صاحب حرف» معرفی شود. طبق آن ناظر کسی است که از فوق توصیه خردمندانه افاضه می‌کند که ظاهراً از یک گوش وارد و از گوش دیگر خارج می‌شود و یا به صورت مستقیم و بدون برخورد با مانعی عبور می‌کند یا با سپری نامرئی که مدافع معلم است برخورد کرده برمی‌گردد. یک الگوی بهتر از شیوه‌های «رو در رویی» نحوه بیان پهلو به پهلو یا گوش به گوش است. در این حالت هر دو نظر به اطلاعات واقعی می‌نگرند و به تجزیه و تحلیل و تفسیر آن می‌پردازند و به عنوان همکار و نه به عنوان مخالف تصمیماتی می‌گیرند.

انواع راهنمایی

راهنمایی تحصیلی از لحاظ موضوعی از دیدگاه‌های گوناگون به انواع زیر تقسیم شده است :

- ۱- راهنمایی تحصیلی
- ۲- راهنمایی حرفه‌ای
- ۳- راهنمایی خانوادگی
- ۴- راهنمایی بهداشتی
- ۵- راهنمایی تعلیماتی

در زیر به توضیح هر یک از این انواع مبادرت می‌گردد:



الف) راهنمایی تحصیلی: همان طور که از نام آن پیداست در این نوع راهنمایی به فرد کمک می‌شود تا قادر گردد:

۱- رشته تحصیلی و دروس خود را به نحو مطلوب برگزیند.

۲- از قوانین و مقررات آموزشی و امتحانی مطلع گردد.

۳- مسائل و مشکلات درسی خود را شناسایی و برطرف سازد.

هدف این قسم راهنمایی موفقیت تحصیلی است. راهنمایی تحصیلی مقدمه راهنمایی حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد. اطلاع راهنمایان تعلیماتی و معلمان از راهنمایی تحصیلی یک ضرورت است.

ب) راهنمایی حرفه‌ای: از طریق راهنمایی حرفه‌ای به فرد کمک می‌شود تا با شناخت استعدادها و رغبت‌ها، محدودیتهای خود، امکانات و ویژگیهای مشاغل و حرفه‌های گوناگون، شغل مناسبی را برای خویشتن، به نحوی که نیازهای مادی و روانی او را ارضاء نماید برگزیند.

ج) راهنمایی خانوادگی: این قسم راهنمایی برای جلوگیری از تیره شدن روابط زن و مرد، پدر و فرزندان، مادر و فرزندان با یکدیگر و کشمکشهای خانوادگی که ممکن است مشکلات زیادی را برای اعضای خانواده ایجاد کند، به کار گرفته می‌شود. از طریق آن با ارائه شیوه‌های تربیتی مطلوب به ایجاد تعادل و روابط سالم و سازنده بین افراد خانواده اقدام می‌گردد.

د) راهنمایی بهداشتی: از طریق راهنمایی بهداشتی، سلامت جسمی و روانی فرد تأمین می‌گردد و هدف عمده آن همانا پیشگیری از ابتلاء به بیماری جسمی و روانی است. بهداشت روانی به ثبات عاطفی، اعتماد به نفس و خود پنداری مثبت در فرد منجر شده و در نتیجه آن فرد برای خود و دیگران ارزش والایی قائل می‌گردد.

ه) راهنمایی سازشی: در راهنمایی سازشی مکلف می‌شود تا خود را با خویشتن، دوستان و اطرافیان و محیط سازگار سازد. این نوع راهنمایی گاهی بسیار سهل است مانند آشنا ساختن فرد با وضع مدرسه و موقعیتهای و فرصتهایی که در آموزشگاه برای او فراهم می‌باشد و زمانی خیلی مشکل و سخت می‌باشد مانند اوقاتی که فرد قادر نیست بین خود و عوامل محیطی، سازگاری مطلوب ایجاد کند و یا اصولاً عاجز از «خودسازگاری» است و در اعمال و رفتارش، نابهنجاری به وضوح قابل مشاهده است.

و) راهنمایی و مشاوره اجتماعی: این نوع راهنمایی و مشاوره به مسائل اجتماعی افراد در مشاغل مختلف اختصاص دارد. معمولاً به هنگام گرفتاریها و مشکلات اجتماعی، افراد می‌توانند به مراکز ویژه‌ای که به این نوع راهنماییها و مشاورهها اختصاص یافته است مراجعه کنند و از راهنمایی و مشاوره افراد متبحر و متخصص که در این مراکز اشتغال به کار دارند، بهره‌مند گردند.

ز) راهنمایی تعلیماتی: مدیران و معلمان بایستی متناسب با پیشرفت علوم و تکنولوژی آن چنان راهنمایی گردند که در انتخاب روش مناسب تدریس، استفاده از وسایل آموزشی و بهبود روابط انسانی در مدرسه تغییرات و دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در رفتار و روابط خود با دانش آموزان در محیطهای آموزشی به وجود آورند.

راهنمایی معلمان در انتخاب روشهای مطلوب آموزشی و استفاده بهینه از امکانات موجود نه تنها تدریس را تسهیل و پربار می‌سازد بلکه شانس دانش آموزان را برای یادگیری مؤثر و مفید و بادوام افزایش می‌دهد.

اهداف راهنمایی

هدفهای زیادی را برای راهنمایی می‌توان بر شمرد. در زمره آنان می‌توان از خودشناسی، درک عمیق خویشتن و سازگاری واقع‌بینانه با محیطهای آموزشی و تدریس را نام برد. در واقع هدف اصلی راهنمایی آن است که شخص به منظور ایجاد زندگی حرفه‌ای مفیدتر و رضایت بخش تر، در رفتار خود تغییرات مناسب را ایجاد کند.

اهداف راهنمایی را از نظر زمان به (۱) اهداف آنی یا نزدیک و (۲) اهداف غایی یا نهایی تقسیم کرده‌اند. اهداف آنی بیشتر جنبه پیشگیری دارند. اهداف غایی راهنمایی فرد را به سوی خود-رهبری سوق می‌دهند و او را برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌های مناسب آتی آماده می‌کنند. شناخت با تاکید بر توانمندی‌های فرد، پرورش اعتماد به نفس، تشخیص درست برای اخذ تصمیم‌های مهم در زندگی و قادر ساختن فرد به شناخت و حل مشکلات خویش در مراحل بعدی زندگی از جمله اهداف غایی راهنمایی به شمار می‌روند.



سیر تاریخی نظارت و راهنمایی و مفاهیم نظارت و راهنمایی

نظارت و راهنمایی در ایران نیز سابقه طولانی دارد. در زمان هخامنشیان وجود پیکیهایی به نام «چشم و گوش شاه» نظارت مؤثر در سرزمین پهناور آن روز ایران را امکان پذیر می‌ساخت.

چنین نظارتی در سایر زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی نیز اعمال می‌گردید.

با آیین زرتشت که قرن‌ها آیین رسمی ایران بود و بر اصل مبارزه پایه گذاری شده بود، نظارت و راهنمایی شکل جدیدی به خود گرفت. مردم راهنمایی شدند که با کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک از پلیدیها و زشتیها بپرهیزند و به پرستش اهورا مزدا، خالق داناییها و روشناییها بپردازند.

با پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان و پیروی ایرانیان از تعالیم گوهر بار اسلامی و به ویژه تعالیم پیامبر گرامی (ص) خصوصاً روش علمی ایشان در تعلیم، تغییرات چشمگیری در نظارت و راهنمایی پدید آمد چرا که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) خود به آنچه می‌گفت عمل می‌کرد.

با تأسیس نظامیه‌ها و اداره آنها توسط متولیان، نظارت و راهنمایی گسترده تر گردید و ابعاد جدیدتری یافت.

کهن‌ترین قانون مهمی که در خصوص آموزش و پرورش به تصویب رسیده است قانون اساسی فرهنگ مصوب نهم آبان ۱۲۹۰ شمسی می‌باشد. در ماده ۱۲ آن چنین می‌خوانیم که :

«مفتش دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیررسمی حق ورود و تفتیش دارد و هیچ مدیری در هیچ دوره‌ای حق مخالفت ندارد». توضیح آنکه مفتش دولتی عبارت از کسی بود که از طرف دولت تعیین و اعزام می‌گردید و به دو گروه تقسیم می‌شد :

مفتشان وزارت معارف (فرهنگ بعدی و آموزش و پرورش فعلی)

مفتشانی که دولت صریحاً به منظور تفتیش در آموزش و پرورش تعیین و اعزام می‌داشت.

در تفسیر دو ماده فوق، مجیدی (۱۳۵۴) چنین می‌نگارد که «مفتش» همان ناظر و بازرس است که می‌بایست بر حسن جریان امور تعلیم و تربیت نظارت کند و احتمالاً معلمان را نیز راهنمایی نماید.

نظارت در قرن هجده و نوزده به شکلی از بازرسی اعمال می‌شد. ارتباط بازرسان با معلمان اغلب تشریفاتی، خشک، بی ثمر و تنبیهی بود.

در دهه ۱۹۳۰ نظارت آموزشی تاثیر خود را در اجرا و نقش بازرسی از دست داد و ناظران که در پشت سر به نام «فضول‌باشی» لقب یافته بودند فقط از راه‌های بسیار رسمی و اداری می‌توانستند با معلمان در ارتباط باشند.

در دهه ۱۹۴۰ نظارت بیشتر توجه خود را به رشد معلمان و بهبود جریانات آموزشی معطوف می‌کرد تا قضاوت بر عملکرد معلمان؛ در این دوره نظارت به عنوان یک رشته تخصصی در آموزش و پرورش درآمد و متون تخصصی و خاص آن تهیه و تدوین گردید.

به ناظران در اوایل دهه ۱۹۶۰ لقب نمایندگی رشته‌های درسی داده شد و اکنون این نقش برای آنان پابرجاست. ناظران در این نقش وظایفی چون تفسیر طرح‌های برنامه تحصیلی، سازمان دادن مطالب درسی، درگیر ساختن معلمان در تدوین برنامه‌های آموزشی و مرجع علمی و آموزشی بودن برای معلمان را انجام می‌دهند.

در دهه ۱۹۸۰، ناظران دارای مجموعه عجیب و غریبی از مشاغل و نقشها با عناوینی چون دستیار آموزشی مدیر یا مدیر برنامه درسی شدند.



جدول زیر تکامل و تحول در نقش‌های نظارتی را در مدت ۱۳۵ سال نشان می‌دهد.
جدول ۱: تکامل نقش‌های نظارت

بازرسی و مامور اجرای قوانین	۱۸۵۰-۱۹۱۰
نظارت علمی	۱۹۱۰-۱۹۳۰
همیاری در نظارت	۱۹۳۰-۱۹۵۵
رشد و توسعه برنامه تحصیلی	۱۹۵۵-۱۹۶۵
کلینیکی	۱۹۶۵-۱۹۷۰
مدیریتی	۱۹۷۰-۱۹۸۰
مدیریت آموزشی	۱۹۸۰

اکنون به شرح سیر تاریخی مفاهیم نظارت و راهنمایی می‌پردازیم:

نظارت و راهنمایی تحت عنوان بازرسی مدرسه و کلاس درس

نظارت و راهنمایی پیش از سال ۱۹۰۰ عمدتاً از طریق بازرسی اداری و رسمی مدرسه و کلاس درس به وسیله افراد غیر حرفه‌ای و در بعضی موارد به وسیله شهروندان محلی یا مذهبی یا کمیته‌های ویژه متشکل از افراد عادی انجام می‌گرفت. در آن زمان، بازرسی به معنای تفتیش کار معلم و نگاه تیز بینانه و منتقدانه بازرسان به برنامه‌های مختلف مدرسه، به ویژه معلم بود.

در حقیقت، از نظر تاریخی، بازرسی در آموزش و پرورش یکی از بازوهای اجرایی دولت برای اعمال کنترل و قدرت محسوب می‌شده است. بازرسی به منظور نظارت بر کار معلم و اجرای قوانین و مقررات مدرسه بود و بر اجرای مقررات انضباطی و حفظ موازین و معیارهای حاکم بر آموزش و پرورش بیشتر تاکید می‌شد، تا اصلاح آموزش، مسائل تدریس و روش‌های اجرای آن، آموزش معلم، دانش آموز و پیشرفت تحصیلی او؛ به طور کلی، اصول و مبانی تعلیم و تربیت و جنبه‌های مهم آن هنوز مورد توجه متخصصان قرار نگرفته بود.

در سال‌های اولیه قرن بیستم بازرسان که عمدتاً افرادی غیر حرفه‌ای بودند به تدریج جای خود را به متخصصان آموزشی دادند. با گسترش حیطه کنترل رؤسای مناطق آموزشی، راهنمایان آموزشی وظیفه نظارت بر کلاس درس معلمان را بر عهده گرفتند و برای اولین بار نظارت از وظیفه‌ای صفی به وظیفه‌ای ستادی تبدیل شد. تقریباً از آن زمان تا به حال راهنمای آموزشی، که قدرتش ناشی از قدرت رئیس منطقه آموزشی بود، بازرسی ستادی مدیریت باقی مانده است.

نظارت و راهنمایی علمی

در دهه‌های اولیه قرن بیستم آموزش و پرورش به شدت تحت تاثیر مفاهیم و یافته‌های «مدیریت علمی» قرار گرفت. در اوایل قرن بیستم، همزمان با تحولات جدید علمی و صنعتی، مفهوم نظارت و راهنمایی در مدارس تغییر یافت. بدین ترتیب که به معلمان دستورالعمل‌هایی داده می‌شد که موظف بودند طبق آنها عمل کنند و هدف راهنمایان از بازرسی مدارس آگاهی از این امر بود که معلمان مطابق دستورات انجام وظیفه می‌کنند یا خیر؛

تاثیرات ناشی از مدیریت علمی فردریک تیلور در آموزش و پرورش موجب پیدایی اندیشه‌ها، روشها، و یافته‌های جدیدی شد که مفاهیم سنتی نظارت و راهنمایی را تا حد زیادی متحول ساخت. در همین زمان بود که آموزش و نظارت و راهنمایی آموزشی به موضوعاتی تخصصی تبدیل شد. در اینجا به برخی از نتایج کاربرد مدیریت علمی در آموزش و پرورش اشاره می‌کنیم:

۱- اصلاح رابطه بین معلمان و راهنمایان آموزشی: یکی از نتایج کاربرد مدیریت علمی در آموزش و پرورش اصلاح رابطه بین معلمان و راهنمایان آموزشی بود. آن زمان راهنمایان آموزشی که روش کار معلمان را به طور دلخواه انتخاب و به آنان تحمیل می‌کردند، تحت تاثیر اصول مدیریت علمی به کشف قوانین آموزشی و یافتن بهترین روش‌های آموزشی و نظارت بر اعمال آنها به



وسيله معلمان واجد شرایط و کار آزموده مبادرت ورزیدند. بدین ترتیب رابطه خشک و مستبدانه بین معلم و راهنمای آموزشی جای خود را به رابطه‌ای علمی و منطقی داد.

۲- تعیین ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان: یکی دیگر از نتایج نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش تعیین خصوصیات حرفه‌ای معلمان بود. این خصوصیات باید به دقت و در چهار چوب خاصی تعیین و تدوین می‌شد. همان طور که گفتیم یکی از وظایف راهنمایان آموزشی این بود که بسنجند آیا روش کار معلمان با معیارهای وضع شده در آموزش و پرورش مطابقت دارد یا خیر و چنانچه با این معیارها مطابقت ندارد به آموزش مجدد آنان مبادرت کنند. بر طبق این اصول راهنمایان آموزشی باید معلمان را با جزئیات کارشان و بویژه روش‌های تدریس آشنا می‌کردند و برای دستیابی به نتایج مطلوب ابزار و لوازم مورد نیاز آنان را فراهم کرده، در اختیارشان قرار می‌دادند.

۳- ایجاد انگیزه کاری: نتیجه بارز نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش ایجاد تحرک و انگیزه لازم برای دستیابی به نتایج مطلوب آموزشی بود.

۴- کشف و ابداع «بهترین شیوه‌های تدریس»: تحول دیگری که تحت تاثیر مفاهیم جدید نظارت و راهنمایی علمی به وجود آمد حاکم شدن جو علمی بر آموزش و پرورش بود، یعنی تاثیر یافته‌های علمی بر ابعاد و اجزای گوناگون آن؛ تا قبل از آن، نگرش حاکم بر مسائل آموزش و پرورش مبتنی بر نتایج تحقیقات علمی نبود، بلکه مبتنی بر تجارب شخصی و بیشتر از آن مبتنی بر سیاست‌های اداری بود که بوسیله افراد خاص و برگزیده‌ای وضع شده بود.

۵- محور قرار گرفتن دانش آموز: یکی دیگر از نتایج تاثیر اصول مدیریت علمی و کاربرد یافته‌های آن در آموزش و پرورش، این بود که برای اولین بار دانش آموز محور اصلی برنامه‌های آموزشی قرار گرفت. بدین ترتیب باید همه کارکنان و وسایل و تجهیزات آموزشی در جهت به حداکثر رساندن رشد و پرورش دانش آموز به کار گرفته می‌شدند و معلمان نیز به عنوان کسانی که عامل اصلی این باروری یا بهره‌وری بودند باید به حداکثر کارایی و اثر بخشی در کارشان نایل می‌گردیدند. در نتیجه، نویسندگانی مانند جورج کایت در آن زمان هنگام بحث در مورد نظارت و راهنمایی آموزشی آن را «رشد حرفه‌ای معلم تا آنجا که کارآمدترین فرد حرفه‌ای گردد» تعریف کردند.

۶- تاکید بر سنجش و تحقیق: یکی دیگر از نتایج نظارت و راهنمایی علمی در آموزش و پرورش تاکید بر آزمایش و تحقیقات کنترل شده به وسیله متخصصان بود. در ابتدای کار، آزمایش و تحقیق فقط به وسیله متخصصان انجام می‌گرفت، اما به تدریج معلمان نیز به سنجش و تحقیق پرداختند.

به طور خلاصه، نظارت و راهنمایی علمی واکنشی بود نسبت به ابهام اهداف و وظایف نظارت و راهنمایی آموزشی در آن دوره و همچنین راه حل جدیدی برای مسائل و مشکلات آموزشی‌ای که آموزش و پرورش با آن مواجه بود تلقی می‌شد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان روابط انسانی آزادمنشانه

در اواخر دهه ۱۹۲۰ اعتراض به تعیین برنامه درسی و روش تدریس به وسیله مدیران رده بالای آموزش و پرورش و تحمیل آن به معلمان بیشتر شد. تقریباً اکثر نویسندگان هدف از نظارت را راهنمایی معلمان می‌پنداشتند، نه بازرسی و تعیین روش‌های تدریس و برنامه‌های درسی برای آنان؛

در پی تغییرات وسیع اجتماعی و اقتصادی که در این سالها روی داد به تدریج احترام به شخصیت انسان (معلم) و تشویق به مشارکت گسترده معلمان در تدوین برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها بیشتر مورد تاکید قرار گرفت. مسئولیت راهنمایان آموزشی که در این زمان مشاور نامیده می‌شدند این بود که محیط مناسبی برای تشریح مساعی همه کارکنان آموزشی فراهم کنند تا از این طریق هدف آنان، یعنی اصلاح و پیشرفت همه کارکنان به جای صرفاً معلمان، تحقق یابد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح روش تدریس

در دهه ۱۹۲۰ به زعم برخی نویسندگان اصلاح و بهبود روش‌های تدریس معلمان از اصلی‌ترین وظایف راهنمایان آموزشی به شمار می‌رفت. همه افرادی که در امر آموزش و پرورش در مدارس فعالیت داشتند سعی می‌کردند به طرق مختلف فرایند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند و مسائل و مشکلات آموزشی معلمان را مرتفع نمایند. بنابراین راهنمایان آموزشی بطور مستمر و منظم کار معلمان را ارزشیابی کرده، در جلسات مشترکی با آنان نتایج اصلاحات ایجاد شده را تجزیه و تحلیل می‌کردند. علاوه بر این، در این



دوره طرح و تدوین دروس نیز از وظایف مهم راهنمایان آموزشی به شمار می‌رفت. به طور خلاصه، راهنمایان آموزشی سعی داشتند با یافتن روش‌های جدید مدارس را بطور کارآمدتری اداره کنند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان رهبری آموزشی آزادمنشانه

در دهه ۱۹۳۰ به دلیل تاکید اساسی بر نظارت و راهنمایی دموکراتیک یا آزادمنشانه، با معلمان به نحوی رفتار می‌شد که مجبور می‌شدند از طریق این نوع رفتار و روابط دوستانه که غالباً بر جنبه‌های انسانی تاکید داشت، فعالیت‌هایی را که راهنمایان آموزشی بر عهده آنها گذاشته بودند انجام دهند. در این دوره نظام آموزش و پرورش به صورت متمرکز اداره می‌شد و نظارت و راهنمایی آموزشی که بخشی از آموزش و پرورش قلمداد می‌گردید هنوز به صورت دستوری اداره می‌شد؛ چون با پیدایش مفاهیم جدید در آموزش و پرورش موجب تغییرات و تحولات زیادی در همه ارکان آن شد، شیوه اداره آن کم و بیش به همان سبک دستوری گذشته بود و مدیران و معلمان ملزم به انجام دادن فعالیتها و اجرای مصوبات و برنامه‌هایی بودند که از طرف سطوح بالاتر سازمان به آنان دیکته می‌شد. امروزه این نوع نظام آموزشی را که معمولاً در آن اهداف، خط مشی‌ها و برنامه‌های کلی از طرف رده‌های بالای سازمان تعیین می‌شود، در اصطلاح «سازمان متمرکز» می‌نامند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان رهبری آموزشی مبتنی بر همکاری گروهی

در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و حتی قبل از آن، برخی از نویسندگانی که در زمینه نظارت و راهنمایی آموزشی تحقیق می‌کردند آن را نظارت و راهنمایی تعاونی یا مشارکت و همکاری تلقی می‌کردند. به زعم ایشان کسانی که در سیستم آموزشی فعالیت می‌کنند باید یکدیگر را در امور آموزشی راهنمایی کرده، برای رفع مشکلات خود از تجربیات و نظریات افراد کارآزموده و مجرب استفاده نمایند، خواه آنان بطور رسمی راهنمای آموزشی باشند، خواه نباشند. در این دوره بر مشارکت و همکاری گروهی همه کارکنان مدرسه در بهبود وضع آموزش تاکید می‌شد.

اساس کار راهنمایان آموزشی، مشاهده، ارزیابی، و گزارش کار معلم بود. همزمان با توسعه و گسترش آموزش و پرورش و تغییرات اقتصادی - اجتماعی، دانش آموز، محور برنامه‌های آموزشی قرار گرفت و به معلم که تا آن زمان به عنوان یک عنصر انسانی نادیده گرفته شده بود، بیشتر توجه شد. با رشد سریع تعداد دانش آموزان، توسعه مدارس و افزایش مسئولیت‌های مدیران جنبه‌هایی از سبک‌های آزاد منشانه‌تر رهبری در آموزش و پرورش ظهور پیدا کرد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی و ارشاد

از دهه ۱۹۳۰ به بعد مفهوم دیگری از نظارت و راهنمایی در آموزش و پرورش اشاعه یافت که هدف آن فقط راهنمایی معلمان بود. بدین معنا که از میان اجزا و جنبه‌های مختلف فرایند تدریس و یادگیری فقط معلم را در نظر گرفته و سعی می‌شد از طریق بهبود کارایی معلمان کیفیت تدریس بالاتر رود. سپس به تدریج دانش آموز نیز به عنوان جزء دیگر فرایند تدریس و یادگیری مورد توجه قرار گرفت. به طور کلی هدف از این نوع نظارت و راهنمایی در مدارس بالا بردن کیفیت آموزش از طریق رفع مشکلات معلمان و دانش آموزان بود.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان اصلاح برنامه درسی

این مفهوم در آموزش و پرورش با طرح، تهیه، تدوین و سازماندهی برنامه‌های درسی آغاز شد. در این مفهوم بر رفع نقاط ضعف معلم، اصلاح روش تدریس یا رفع مشکلات آنان تاکید نمی‌شد، بلکه تجدید نظر در برنامه‌های درسی مورد توجه بود. صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که اگر ابزار مورد استفاده معلم و دانش آموز، یعنی کتاب و همچنین درس، مورد تجدید نظر قرار گیرند و اصلاح شوند، خود به خود در فرآیند آموزش و یادگیری تغییرات مطلوبی ایجاد خواهد شد.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان فرایندهای گروهی

این مفهوم در آموزش و پرورش ابتدا با ارزیابی کار معلم و گرفتن آزمون از دانش‌آموزان به منظور تعیین میزان موفقیت برنامه‌های آموزشی آغاز شد.

به زعم برخی از نویسندگان این دوره، برای نیل به نتایج مطلوب آموزشی، برنامه‌ریزی در مدرسه باید از طریق فرایندهای گروهی انجام می‌پذیرفت به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی آموزشی امری گروهی تلقی می‌شد، نه شخصی یا انفرادی؛ همچنین در این دوره عمدتاً بر ارزیابی معلم از خود بیش از ارزیابی راهنمای آموزشی از معلم تاکید می‌شد. بنابراین، خود سنجی معلم (ارزشیابی او از



خود) معیاری برای رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوتش قرار گرفت.

نظارت و راهنمایی خلاق یا مبتنی بر خلاقیت

همه معلمان تا زمانی که در حرفه معلمی خدمت می‌کنند نیاز به اصلاح شیوه تدریس خود دارند و هر وسیله و ابزاری که قادر باشد آنها را به صورت معلم استاد درآورد باید در اختیار آنها قرار گیرد.

در نظارت و راهنمایی مبتنی بر خلاقیت بسیاری از مفاهیم قبلی نظارت برای آموزش و تربیت معلم استاد بکار گرفته شد. به زعم نویسندگان، معلم فردی بود که فردیت او به عنوان انسانی کامل و عنصری مستقل در تدریس موفق و کیفی بازتاب می‌یافت. همچنین نیروی تفکر و اندیشه خلاق معلمان، افرادی که مسئول آموزش دانش آموزان بودند، محور برنامه‌های آموزشی قرار گرفت.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان توسعه برنامه درسی

بررسی تاریخی مفاهیم نظارت و راهنمایی نشان می‌دهد که در اواخر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ با تاکید بر پیشرفت کار آموزش وقت زیادی برای کمک به معلمان صرف می‌کردند و کمتر در مورد کار آنان به قضاوت می‌پرداختند.

تفوق و برتری علمی شوروی سابق در سال ۱۹۵۷ (با پرتاب اولین ماهواره به فضا) باعث ایجاد تغییرات و تحولات سریع و زیادی در آموزش و پرورش کشورهای غربی شد. برای جبران خلاء ناشی از این عقب ماندگی علمی برنامه‌های جدیدی، بویژه در زمینه ریاضیات، علوم و زبان‌های خارجی، طراحی و اجرا شد و مبالغ هنگفتی برای تغییر برنامه‌های قدیمی و توسعه برنامه‌های جدید صرف گردید. توسعه برنامه‌های درسی نقطه عطف این تغییرات و هدف از آن اصلاح و ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی بود. در پی این تغییرات نقش راهنمای آموزشی هم تغییر یافت. در بسیاری از مناطق آموزشی راهنمایان آموزشی مسئولیت توسعه برنامه‌های درسی جدید را بر عهده گرفتند. وظیفه معلمان به دست آوردن اطلاعات و توسعه مهارتهایی بود که آنها را قادر سازد برنامه‌های جدید طراحی شده را با موفقیت اجرا کنند.

نظارت و راهنمایی تحت عنوان راهنمایی به وسیله افراد بومی (عضو ثابت گروه آموزشی)

نظارت و راهنمایی با این مفهوم، از راهنمایی معلمان به وسیله مسئولان آموزش و پرورش از خارج از مدرسه شروع شد. نخست مسئولان آموزشی رده بالاتر آموزش و پرورش منطقه بر کار معلمان در مدارس نظارت داشتند. سپس این مسئولیت بر عهده معلمان برجسته و ممتاز خود مدارس قرار گرفت و سعی شد از میان معلمان ثابت و عضو گروه‌های آموزشی توانمندترین و شایسته‌ترین آنان به راهنمایی مبادرت کنند.

اما به منظور طرح برنامه‌های درسی جدید و بسط گروه‌های آموزشی و تشکیل گروه‌های پژوهشی برای حل مشکلات آموزشی، بار دیگر مسئولیت راهنمایی معلمان مدارس از معلمان برگزیده گروه‌های آموزشی به عنوان راهنمایان آموزشی به کارکنان مناطق مرکزی آموزش و پرورش تفویض شد.

مفاهیم و جهت گیری‌های نظارت و راهنمایی بعد از دهه ۱۹۵۰

به زعم برخی از نویسندگان نظارت و راهنمایی در دهه ۱۹۵۰ دیگر به مفهوم بازرسی، پیدا کردن نقاط ضعف معلم، حذف طرح‌های نامناسب و استفاده از روش‌های دستوری و اجرای آنها به وسیله اشخاص خاص نبود، بلکه به مفهوم بررسی و تحلیل کل فرایند تدریس و یادگیری، هدفها، ابزار و وسایل، روشها، معلم، دانش آموز و محیط کار بود.

در دهه ۱۹۶۰ بار دیگر نقش و وظیفه راهنمایان آموزشی تغییر یافت. بدین معنا که برخی از راهنمایان آموزشی خود را عامل اصلی هدایت فرایند تغییر در مدارس می‌دانستند و مشکلشان پیدا کردن استراتژی مناسب برای هدایت این تغییر بود و برخی دیگر خود را افرادی حرفه‌ای می‌پنداشتند که باید مشکلات برنامه درسی و تدریس را حل کنند.

به طور کلی، فعالیت‌های راهنمایان آموزشی در این دهه به فعالیت در زمینه تعیین موضوعات درسی، تنظیم برنامه‌های درسی، سازماندهی تجهیزات و تسهیلات مدرسه، مشارکت دادن معلمان در تهیه برنامه‌های درسی و کمک به آنان در تدریس خلاصه می‌شد. علاوه بر اینها، بسیاری از راهنمایان آموزشی از طریق برنامه‌های آموزش ضمن خدمت به آموزش و بازآموزی معلمان می‌پرداختند.

در دهه ۱۹۷۰ با اینکه عواملی مانند تشکیل اتحادیه‌های معلمان در روابط بین راهنمایان آموزشی و معلمان موانعی ایجاد کرد، راهنمایان آموزشی همچنان به کار خود و حمایت از معلمان ادامه دادند. کار می‌کردند و در بسیاری از مناطق آموزشی به علت کم



اهمیت شدن نقش آموزشی راهنمایان کار آنان بیشتر جنبه مدیریتی پیدا کرد و مفهوم جدید مدیریت آموزش مورد توجه قرار گرفت.

در نظام‌های آموزشی پیشرفته، برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی بطور وسیعی به کار گرفته شده است. هدف از این تلاشها حفظ و تداوم هماهنگی مدارس و معلمان با الگوهای توسعه در جامعه است. مسئولان نظارت و راهنمایی سعی می‌کنند اینگونه برنامه‌ها را به نحوی طراحی و اجرا کنند که پاسخگوی نیازهای گوناگون و در حال تغییر معلمان و دانش آموزان باشد. اگرچه مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی بطور مستمر در حال تغییر و تکوین است و تعمیم یکی از این مفاهیم برای آینده کار دشواری است، همچنان اصلاح فرایند آموزش، نقش اساسی و اولیه نظارت و راهنمایی آموزشی تلقی می‌شود. ارتقای سطح کیفیت تدریس معلمان، تخصصی و حرفه‌ای شدن کار معلمی، و در نتیجه بهبود شرایط یادگیری برای دانش آموزان از هدف‌های کنونی نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس است.

به تعبیر سرجیووانی و استارات (۱۹۹۳) در شرایطی که مدارس در ابعاد گوناگون بشدت تغییر یافته و این تغییرات تفکر و درک تازه‌ای را از همه اجزا و ارکان مدارس را ضروری ساخته است، نظارت و راهنمایی آموزشی هم باید دوباره تعریف شود و این تعریف نه تنها باید روش‌های جدیدی را برای انجام دادن کارها و وظایف قدیمی دربرگیرد، بلکه باید در نظریه‌ای که تفکر و عمل نظارت و راهنمایی آموزشی بر آن استوار است نیز تغییر ایجاد کند.

تحول مفاهیم نظارت و راهنمایی در ادوار مختلف تاریخی

دوره	تئوری نظارت	افراد مسوول نظارت و راهنمایی	فعالیت‌ها و عملیات
اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم	مستبدانه، بازرسی اداری، و اجرای اجباری	بازرسان غیرحرفه‌ای (افراد عادی)، کشیش‌ها و کمیته‌ها	۱- بازدید از مدارس برای کنترل معیارها ۲- معلمان به عنوان ابزارهایی تلقی می‌شدند که مدیر باید بر کار آنان نظارت کند.
اوایل قرن بیستم تا دهه ۱۹۲۰	مستبدانه، بازرسی اداری و اجرای اجباری	روسای مناطق آموزشی، معلمان، مدیر، و متخصصان	۱- موضوعات جدید خدمات متخصصان را ایجاد می‌کرد. ۲- نظارت همچنان یکی از بازوهای اداری محسوب می‌شد. ۳- بازدید از کلاس درس و بررسی مشاهدات
دهه ۱۹۲۰	نظارت و راهنمایی علمی	مدیران، راهنمایان آموزشی و ناظران ویژه	۱- مسئول نظارت بایستی «قوانین» آموزش و پرورش را کشف کند، و از طریق معلمان آنها را به کار ببندد. تحقیق و سنجش در قلمرو نظارت و راهنمایی محسوب می‌شد. معلمان ملزم بودند یافته‌های تحقیقات را به کار ببندند. ۲- بازدید از کلاس درس برای مشاهده روش‌شناسی تحقیق.
دهه ۱۹۳۰	برقراری روابط انسانی آزادمنشانه و نظارت و راهنمایی بوروکراتیک	مدیران و راهنمایان ویژه (صفی و ستادی)	۱- عواطف و احساسات معلمان در کار و عمل مورد توجه قرار گرفت و به آنها توجه شد. ۲- بازدید از کلاس درس



<p>۱- مشاهده کلاس درس</p> <p>۲- آموزش‌های ضمن خدمت</p> <p>۱- تعیین دقیق نتایج مطلوب و رفتارهای مناسبی که برای حصول به آن‌ها ضرورت داشت.</p> <p>۲- کار و عمل از طریق مشارکت گسترده همه افراد ذی نفع در فرآیندهای تحقیق و ارزیابی نتایج. ۳- بازدیدهای کلاسی ۴- تاکید بر آموزش‌های ضمن خدمت</p>	<p>مدیران و راهنمایان ویژه</p> <p>مدیران و راهنمایان ویژه، راهنمایان آموزشی و برنامه‌ریزان درسی</p>	<p>نظارت و راهنمایی مبتنی بر تشریح مساعی و تصمیم‌گیری گروهی</p> <p>نظارت به عنوان توسعه برنامه درسی، تصمیم‌گیری گروهی، نظارت به عنوان عامل تغییر و نظارت از طریق استدلال نظری و بینش و بصیرت عملی</p>	<p>دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۵۰</p> <p>دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۶۰</p>
<p>۱- شناخت ۲- طراحی نظام‌های آموزشی. ۳- کارایی و اثر بخشی سازمانی ۴- مسوول و پاسخگو بودن</p>	<p>راهنمایان خدای برنامه‌ریزان درسی و مشاوران</p>	<p>نظارت و راهنمایی بالینی، تئوری سازمانی، و مدیریت سیستمی</p>	<p>اواسط دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰</p>
<p>همکاری با معلمان و حمایت از آنان برای اصلاح فرآیند آموزش</p> <p>تأکید بر اصلاح آموزش و یادگیری به عنوان نقش اولیه نظارت و راهنمایی در مدرسه</p>	<p>مدیران صف و راهنمایان آموزشی</p> <p>معاون آموزشی، مدیر مدرسه، مدیر برنامه، راهنمای آموزشی، و همه کارکنان مسوول، درگیر و ذی نفع در مدرسه، منطقه و جامعه</p>	<p>نظارت به عنوان مدیریت</p> <p>مدیریت آموزش</p>	<p>دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰</p> <p>دهه ۱۹۸۰ و بعد از آن</p>

(نظارت و راهنمایی تعلیماتی نیکنامی)

تکامل نقش نظارتی

۱۹۸۵-۲۰۰۰	رهبری همکارانه
۱۹۷۵-۱۹۸۵	نظارت مدیریتی
۱۹۶۵-۱۹۷۵	نظارت کلینیکی
۱۹۵۵-۱۹۶۵	با تاکید برنامه آموزشی
۱۹۴۵-۱۹۵۵	نظارت فنی
۱۹۳۵-۱۹۴۵	نظارت همکارانه
۱۹۲۵-۱۹۳۵	نظارت دیوان سالارانه
۱۹۱۵-۱۹۲۵	نظارت علمی
۱۹۰۵-۱۹۱۵	بازرسی و اجرای قانون



نکات مهم

- نظارت و راهنمایی تعلیماتی به عنوان اصلاح برنامه آموزشی تأکید بر تجدید سازمان برنامه درسی و تحصیلی دارد.
- نظارت و راهنمایی آموزشی مبتنی بر خلاقیت با به کارگیری کلیه مفاهیم نظارت، به شخصیت و فردیت معلم برای پرورش معلم و استاد اهمیت زیادی قایل بود.
- در مفهوم نظارت و راهنمایی به عنوان فرآیند گروهی تأکید راهنمای آموزشی بر خودسنجی معلم است.
- تفسیر نوین مفهوم نظارت و راهنمایی مبتنی بر آزمایش، تجربه و عمل است.
- در مفهوم نظارت و راهنمایی آموزشی علمی، برای اولین بار ویژگی حرفه‌ای معلمان می‌بایستی دقیقاً تعریف می‌شد و منطبق با استانداردهای وضع شده به اجرا در می‌آمد.
- تعیین اهداف و روش‌های جزیی برای رشته نظارت آموزشی و در نتیجه مشخص شدن حدود و قلمرو نظارت در مدرسه حاصل تأثیر مکتب مدیریت علمی و تئوری‌های صفت‌گرایی بود.
- در ترتیب نقش‌های نظارت و راهنمایی آموزشی، ابتدا رهبری، سپس هماهنگی، ارزشیابی و در آخر مدیریت است یعنی سعی کردن برای آنکه بتوان آموزش را بهبود بخشید. لذا نقش مدیریتی مربوط به نقش‌های نظارت و راهنمایی آموزش نیست.
- در ارتباط با تئوری علمی نظارت و راهنمایی، این تئوری بر مسائل مربوط به روش‌های دقیق و علمی و بهبود اثر بخشی و کارایی سازمان تأکید دارد.
- در نظارت و راهنمایی آموزشی خودکفایی آموزش معلمان به معنای به کارگیری آنان از وسایل و تکنولوژی آموزشی است.
- یکی از اصلی‌ترین اهداف نظارت و ارزشیابی، مسئولیت داشتن در قبال کار خود و دیگران است.
- بر اساس تفکر نظارت و راهنمایی آموزشی مبتنی بر خلاقیت، تربیت و آموزش «معلم استاد» قوت گرفت.
- یکی از نقش‌های راهنمایی تعلیماتی تحریک و ترغیب معلمان برای اصلاح خود می‌باشد.
- اعمال نظارت و راهنمایی در کلاس وقتی ایده‌آل می‌باشد که با مشارکت راهنمای تعلیماتی و مدیر مدرسه صورت گیرد.
- نظارت و راهنمایی باید در راستای بهبود نگرش و بینش‌های همه کارکنان مدرسه انجام گیرد.
- در یک برنامه آموزشی خوب تأکید اصلی نظارت و راهنمایی بر جریان یاددهی - یادگیری است.
- با توجه به تأثیری که شرایط در دو دهه اخیر روی نقش نظارت و راهنمای آموزشی گذاشته است مدیریت آموزشی بیشتر نمایانگر نقش ناظر راهنما در این زمان است.
- نمود یا خاصه عمده در مفهوم سازی مدیریت اداری در نظارت و راهنمایی، عبارتست از حصول به انتظارات آموزشی با سیستم آموزش و پرورش.
- کمک به تدوین برنامه درسی جزء توانایی‌های ویژه راهنمایان آموزشی محسوب نمی‌شود.
- با توجه به روال تکامل نقش‌های نظارت و راهنمایی در طول تاریخ، پیش‌بینی می‌شود که نظارت و راهنمایی در دهه اول قرن ۲۱ نقش رهبری توأم با تشریک مساعی را بازی می‌کند.